

# کرمان؛ استانی محروم پیشگام جهت گیری نو در اقتصاد کشور

**اقتصاد کرمان:** از رخدادهای عرصه مدیریت و اقتصاد کشور در سالی که پشت سر گذاشته شد، ورق خوردن فصلی از دفتر اتاق ایران و آغاز دوره جدیدی در مدیریت پارلمان بخش خصوصی بود آنجا که یکی از فرزندان شایسته کرمان بر جایگاه ریاست اتاق ایران تکیه زد تا کرمانیان با پیشینه پرافتخاری که در اقتصاد و تجارت ایران داشته و دارند به شایستگی به عالی ترین سطح مدیریت در بخش خصوصی ایران دست یابند. این رخداد اما پیشینه و زمینه‌ای داشته که در این نوشتار، «همدی آگاه» از فعالان و پیشکسوتان اقتصادی استان کرمان، بدان پرداخته و بستر موفقیت‌هایی از این دست را به تحلیل کشیده است. به نظر وی بهتر است "برای درک عمیق‌تر تقابل فرهنگی میان استانی که به توانمندی‌های تولیدی و صادراتی کالاهای خود متکی است و پایتختی که از آغاز دهه پنجاه به این سو توسعه و ثروت خود را در تاراج منابع نفت و گاز کشور جسته است، اندکی به گذشته بازگردیم." شرح این سابقه را از قلم ایشان بخوانید:

هزار رأس گوسفند به تصویر کشیده شده است. این جمع از کارون طغیانی و ارتفاعات برف گیر زردکوه عبور می‌کنند. راه گشایی ایلخان با پای برهنه در برف و یخ تا ارتفاعات بالا بهت این حماسه را دوچندان می‌کند. این فیلم مستند مردمی را نشان می‌دهد که فارغ از هر گونه حمایت دولتی، زندگانی سرشار از قناعت، آزادی، فعالیت و تولید دارند. مردم به ظاهر فقیری که نه تنها هیچگاه دست نیاز به سوی دولت مرکزی دراز نمی‌کردند بلکه به هنگام لزوم از جان و مال خود برای دفاع از وطن مایه می‌گذاشتند. ای کاش مقامات کشوری و استانی یک ساعت از وقت



خود را به دیدن این فیلم مستند اختصاص دهند تا بدانند که دخالت نابخردانه در شیوه معیشت یک قوم، هر چند با حسن نیت صورت گرفته باشد، چگونه قومی آزاده و سلحشور را در یکی دو نسل به مردمی محتاج و متکی به یارانه‌های نفتی بدل کرده است.

## ۲- وضعیت اقتصادی ایران از آغاز دهه پنجاه

از آغاز دهه پنجاه به بعد، به خاطر برخی تحولات در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر روابط کشورهای صادرکننده نفت با غرب، قیمت جهانی نفت ظرف دو و نیم سال یازده برابر شد. از آن زمان به بعد دولت‌های روی کار آمده به جای آنکه گران شدن قیمت نفت را با برداشت کمتر از ثروت ملی توأم کنند، فروش افزایش یافته ثروت فرانسلی را صرف توسعه استبداد دولتی و جانسپین کردن تکنوکرات‌ها در یک سیستم اقتصاد دستوری به جای سیستم اقتصاد بازار کردند.

با افزایش سرسام آور درآمدهای ارزی ناشی از تاراج منابع تجدیدناپذیر کشور، تقسیم سلیقه‌ای رانت به طور روزافزونی در دستور کار دیوان سالاران پایتخت نشین تشنه زر و زور قرار گرفت. از سال ۱۳۵۲ به بعد شبکه‌های عظیمی از بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌ها و دولتمردان فاسد با ایجاد واحدهای تولیدی، نه الزاماً اقتصادی، به جذب هر چه بیشتر رانت‌های ارز، انرژی و آب پرداختند. سهام اینگونه شرکت‌ها به عمود خیمه بورس سهام تهران بدل گشته و دیگر کمتر خبری از سهام کارخانه‌های تولیدی مانند لوازم خانگی، نساجی و چرم و کفش در این بورس می‌شنویم. می‌توان تعلیق اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را نشانه نفوذ کارساز رانت‌خواران انرژی در ارکان حکومتی دانست. در سال ۱۳۹۲ میزان این یارانه که عمدتاً به صورت سوخت ارزان در اختیار ثروتمندان و به خصوص صاحبان صنایع انرژی بر قرار گرفته در حدود یکصد و شصت میلیارد دلار بوده است! آسیبی را که بدین طریق به معیشت اقشار میانی جامعه وارد کردیم، تکنوکرات‌هایمان نابخردانه کوشیدند با تکنولوژی‌های عاریتی انرژی بر و متکی بر درآمد ارزی حاصل از فروش نفت جبران کنند. حاصل این بی‌خردی در چهل و اندی سال گذشته ابتلای نظام اقتصادی کشور به بلیه‌ای است که محافل علمی آن را با نام "بیماری هلندی" یا

## ۱- وضعیت اقتصادی ایران تا پایان دهه چهل

تا پایان دهه چهل، درآمد اصلی کشور از فروش نفت نبود. نفت برای مدت‌های طولانی در حدود بشکه‌ای یک دلار برای ایران عایدات داشت و میزان استخراج و صادرات آن هم نسبتاً محدود بود. فروش نفت که در سال‌های میانی دهه چهل سهمی ۱۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی داشت، در نیمه دهه پنجاه سهم آن به ۳۷ درصد افزایش یافت. نکته بسیار مهم آن است که از هر صد دلار فروش کالاهایی نظیر پسته، پارچه،

مس، سیمان و غیره ۹۰ دلار آن قبلاً صرف اشتغال در کشور گشته، حال آنکه در نیمه دهه پنجاه از فروش صد دلار نفت و گاز فقط ۱۰ دلار آن هزینه استخراج و موجب اشتغال بوده و مابقی ۹۰ دلار آن در دست دیوان سالاران می‌ماند که به یاری آن هر که را خواهند عزت یا ذلت بخشند.

برای درک بهتر آسیبی که در جریان تبدیل اقتصاد سنتی بر مبنای تولیدات کالایی اشتغالزا توسط بخش خصوصی به اقتصاد نفتی - دولتی امروزی به جامعه و فرهنگ این سرزمین کهن وارد آمده است، تغییر معیشت دو قشر عمده جمعیتی ایران را به اختصار مرور می‌کنیم.

در بخش کشاورزی سنتی حدود چهل هزار رشته قنات داشتیم. حفر اولیه این قنات‌ها بین ۱۰ تا ۱۰۰ سال طول کشیده و بعضی از آنها برای دوهزار سال بدون وقفه و بدون صرف انرژی، مزارع را آبیاری می‌کردند. یعنی قریب ۱۲ میلیون نفر روستائین ایرانی طی صدها سال، سرمایه ثابت عظیمی شامل بیش از ۳۰۰ هزار کیلومتر کوره قنات (مجرا) و به همین میزان چاه‌های عمودی قنات انباشتند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری که در احداث مساجد، کاروانسراها، آب انبارها و یخچال‌های سنتی شده نیز در خور توجه است. اضافه بر شهرها و روستاهای بزرگ در همه شاهراه‌های کشور به فاصله هر شش فرسنگ یک کاروانسرا، یک آب انبار، یک یخچال سنتی و یک مسجد احداث شده بود. این همه، سرمایه‌گذاری ایرانی است که در آستانه دوران جدید، ۲۰ میلیون نفر جمعیت داشته است. اگر تعداد نفر-روز کاری که در جریان این ساخت و سازها به کار گرفته شده را بر جمعیت ایران در آستانه تحولات تقسیم کنیم، خواهیم دید، گرچه اقتصاد سنتی در ظاهر پر زرق و برق و مصرفی نبود اما جامعه ایرانی در مجموع سرمایه کلانی در زیربنای اقتصادی انباشته بود که بسیاری از جامعه‌شناسان آن را به نوعی شاخص ارزیابی تمدن‌ها می‌شناسند.

از سوی دیگر آزادی و سربلندی سنتی مردم ایران را می‌توان در زندگی عشایر غرب کشور ملاحظه کرد. به جای تشریح نوشتاری این بحث، دیدن فیلم مستند علفزار (GRASS) را به علاقمندان توصیه می‌کنم. این فیلم در سال ۱۹۲۵ یعنی ۹۰ سال پیش ساخته شده و از کوچ بهاره ایل بختیاری از آغار جاری به مناطق کوهستانی اصفهان تهیه شده است. در این مستند حماسه مهاجرت پنجاه هزار نفر انسان اعم از کودک، جوان و پیر با همه اموالشان از جمله پانصد

